

سر اژدها را به خاطر یک مشت آهک نبرید!



نمایی از فعالیت معدن در جوار اژدرکوه



اژدرکوه اسطوره‌ای مشهد



برگی از امضاهای جمع‌آوری‌شده در حمایت از اژدرکوه

● قبل از نابودی به داد اژدرکوه برسید

در بخش‌هایی از این نامه که خطاب به فرماندار مشهد تنظیم شده و رونوشت آن برای مدیرکل صنعت و معدن خراسان رضوی، مدیرکل میراث فرهنگی استان، دادستان عمومی و انقلاب خراسان رضوی و همچنین حجت الاسلام والمسلمین پژمانفر، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، نیز ارسال شده، آمده است:

«همان‌گونه که مستحضرد اژدرکوه تنها کوه شمال شهر مشهد است. این کوه هزاران سال است یک‌تنه بار تاریخ و هویت، گردشگری، محیط زیست و منابع طبیعی، ورزش و سلامت مردم شهر را به دوش می‌کشد و به همین دلیل هم حفظ آن برای گروه‌های مختلف مردم مشهد اهمیت دارد. اما متأسفانه از سال ۱۳۹۰ صدور چندین مجوز برداشت ماده معدنی سنگ آهک بر روی اژدرکوه حیات و منظر این کوه اسطوره‌ای را به خطر انداخته است. صدور مجوز معدن از سال ۱۳۹۰ بارها مورد اعتراض گروه‌های مختلف مردم مشهد، مانند علاقه‌مندان به تاریخ و هویت، کوه‌نوردان، فعالان و سمن‌های محیط زیستی و... همچنین اهالی روستای فارمد، قرار گرفته است. اما متأسفانه به دلیل بی‌توجهی و کم‌کاری نهاد های دولتی، سال ۱۴۰۰ مجدداً مجوز برداشت معدن برای هشت سال دیگر تمدید شد.»

در ادامه نامه آمده است: «ما مردم مشهد به تمدید این مجوز معترضیم و خواستاریم تا قبل از نابودی اژدرکوه، آن هم تنها به بهای برداشت آهک که از قضا فراوان‌ترین ماده معدنی ایران است و کاربرد چندانی هم ندارد، تدبیری اندیشیده شود. شاید دادن مجوز مابه‌ازای برداشت آهک در یکی دیگر از نقاط مشهد، راه‌حلی منطقی برای حفظ کوه اسطوره‌ای ایران باشد.»

ساخت دکل و جاده بر روی قله و ضلع شمالی اژدرکوه موضوع دیگری است که در این نامه به آن اشاره شده است: «مشاهدات نشان می‌دهد از بهمن ۱۴۰۳ بر روی ضلع شمالی این کوه افسانه‌ای نیز جاده‌ای احداث شده که تا نوک قله ادامه یافته و روی قله

نیز به منظور احداث دکل، مسطح و بتن‌ریزی شده است. احداث این جاده و دکل، منظر کوه اساطیری اژدرکوه را خدشه‌دار کرده است. لازم به ذکر است اژدرکوه در مرحله ثبت در فهرست آثار تاریخی قرار دارد و احداث جاده و دکل به همراه فعالیت معدن در این منطقه موجودیت و پایداری این کوه زیبا و اساطیری را که شبیه اژدهاست و سرمایه ملی محسوب می‌شود با خطر تخریب و نابودی مواجه کرده است؛ لذا ما سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه محیط زیست، میراث تاریخی، حقوق شهروندی، جامعه کوه‌نوردی، اهالی روستای فارمد و مردم دغدغه‌مند و علاقه‌مند به حفظ منابع طبیعی تقاضا داریم با لغو مجوزهای معدن و جلوگیری از احداث جاده و دکل از تخریب اژدرکوه جلوگیری کنید تا ضمن امانت‌داری در حفظ این میراث برای فرزندانمان، شرمسار نسل‌های بعدی هم نباشیم.»

● اژدرکوه گردن‌گیرندارد

در حالی که همه ارگان‌ها موافق‌اند بهترین راه حل حفظ اژدرکوه، جابه‌جایی معدن آن است. هیچ سازمانی مسئولیتش را نمی‌پذیرد. به نقشه زمین‌شناسی مشهد که نگاه می‌کنی، آهک فراوان‌ترین ماده معدنی است که به ویژه در محدوده شمالی شهر از شرق تا غرب در

نقاط مختلف دیده می‌شود. در میان این همه نقطه جغرافیایی پراهک، دست‌برقضا سال ۱۳۹۱ خورشیدی، دو معدن دقیقاً روی دامنه جنوبی اژدرکوه قرار گرفته‌اند؛ کوهی که ریشه اساطیری دارد و برای مردم مشهد بسیار ارزشمندتر از آهکی است که امروزه تنها کاربردش جاده‌سازی است.

زمانی که مجوز بهره‌برداری این معدن صادر شد، گرچه دوستداران تاریخ و محیط زیست به آن معترض بودند، به این دلیل که اژدرکوه ثبت ملی نشده بود، اعتراضشان راه به جایی نبرد. بعد از آن اهالی فارمد، کوه‌نوردان، دوستداران محیط زیست و تاریخ و فرهنگ ایران با هم هم‌صدا شدند تا بتوانند مسئولان را قانع کنند که اژدرکوه، کوه ارزشمندی است و تخریب آن به بهای برداشت آهک، آثار مخرب بسیاری خواهد داشت.

با همراهی نصرا... پژمانفر، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، جلسه‌ای با حضور سمن‌ها، معاون امور معدن صمت، کوه‌نوردان، معاون میراث فرهنگی خراسان رضوی و جمعی از اهالی فارمد در دفتر ایشان برگزار شد که مهم‌ترین دست‌ورکار آن جلسه پیگیری ثبت اژدرکوه در فهرست آثار ملی بود. حدود دو سال طول کشید تا اینکه مدیرکل میراث فرهنگی اردیبهشت ۱۴۰۲ اعلام کرد اژدرکوه در

شیمای سیدی) تمدید مجوز بهره‌برداری معدن ضلع جنوبی اژدرکوه تا سال ۱۴۰۸، ساخت جاده بر روی ضلع شمالی اژدرکوه و احداث دکل بر روی قله این کوه اسطوره‌ای، آژیر هشدار نابودی کامل اژدرکوه در آینده نزدیک را به صدا درآورده است. نبود هیچ متولی دولتی برای جلوگیری از این تخریب‌های گسترده، شهروندان علاقه‌مند به محیط زیست و تاریخ و هویت مشهد را مجبور کرده است آستین همت را بالا بزنند تا بتوانند جلوی نابودی کوه اسطوره‌ای مشهد را بگیرند. امضای نامه اولین قدم برای نشان دادن عزم عمومی است.

۲۵۰ نفر از فعالان محیط زیست، جمعی از علاقه‌مندان به تاریخ و هویت و روزنامه‌نگاران مشهد با امضای نامه‌ای خواستار جلوگیری از فعالیت معدن بر روی دامنه اژدرکوه و توقف ساخت دکل بر روی قله این کوه شدند. محمد درویش، پژوه‌شگر سرشناس محیط زیست، دکتر حمید طراوتی، نویسنده، پزشک و فعال محیط زیست، مهدی سیدی، نویسنده و پژوه‌شگر تاریخ و هویت مشهد، بهزاد نعمتی، نویسنده و تاریخ‌پژوه، هادی قائمی، پژوه‌شگر و کارشناس اوقاف و جواد نوابیان رودسری، تاریخ‌پژوه و استاد دانشگاه، از جمله امضاکنندگان این نامه هستند.

● اداره صمت نمی‌تواند جلوی فعالیت قانونی معدن را بگیرد

معاون امور معدن اداره صمت با تأکید بر اینکه مجوزها قبل از نامه میراث فرهنگی صادر شده است، می‌گوید: «از زمانی که میراث نامه زده و اعلام کرده است که اژدرکوه ثبت ملی شده، هیچ مجوز معدنی تمدید نشده است و همه مجوزها مربوط به پیش از اعلام میراث فرهنگی است.»

محمد توکلی درباره پیشنهاد فعالان محیط زیست مبنی بر دادن مجوز مابه‌ازا به معدن‌داران می‌گوید: «فعالیت معدن‌کاران کاملاً قانونی است و ما نمی‌توانیم به فردی که برای برداشت ماده معدنی مقدار درخورتوجهی سرمایه‌گذاری کرده و دستگاه سنگ‌شکن خریده است بگوییم کارش را متوقف کند.»

نکاتی در باب اهمیت اژدرکوه

● سنگ آهک ۶۷ درصد ذخایر معدنی کشورمان را به خود اختصاص داده است. فراوانی ماده آهک در کشور به حدی است که می‌توان هر صد کیلومتر یک کارخانه سیمان ساخت که ماده غالب آن آهک است. آهک زنده میل شدیدی به ترکیب با فلزات دارد؛ از این‌رو در صنعت ساختمان دیگر از آهک به‌عنوان ملات استفاده نمی‌شود. اکنون کاربرد سنگ آهک تنها در راه‌سازی است، نتیجه اینکه ما یک کوه تاریخی را نابود می‌کنیم و سنگ‌هایش را کف جاده‌ها می‌ریزیم.

● اژدرکوه بیش از نیم قرن است که باتوق کوه‌نوردان خراسانی شده است. نزدیکی این کوه به مشهد و شکل اژدها مانند آن باعث شده است همراه دست‌کم سه برنامه کوه‌نوردی به مقصد این کوه برگزار شود. انفجارهای متعدد معدن روی کوه، جان کوه‌نوردان را به خطر انداخته است.

● اژدرکوه تنها کوه شمالی مشهد است که می‌تواند در مقابل ورود گردوغبار و آلودگی به‌ویژه از سمت بیابان قره‌قروم به مشهد قد علم کند. نابودی این کوه به معنای از بین بردن مهم‌ترین محافظ مشهد و بریدن نفس مشهدی‌هاست.

● علاقه‌مندان به تاریخ و هویت و ادبیات ایران با استناد به مهم‌ترین سند هویتی ایرانیان، یعنی شاهنامه، معتقدند آمدن نام اژدرکوه در شاهنامه و رخ دادن یک خاطره مهم اساطیری بر روی این کوه و نیز نزدیکی‌اش به زادگاه فردوسی و کشف رود، هویت مشهد را شکل می‌دهد و می‌تواند یک نقطه مهم گردشگری و متضمن درآمدزایی برای شهرمان باشد.

اوادامه می‌دهد: «واگذاری معدن به این راحتی نیست و اداره صعت و معدن استان به‌تنهایی نمی‌تواند تصمیم بگیرد. باید این تصمیم‌ها را وزیر در شورای عالی معدن بگیرد و دادگستری حکم دهد؛ سپس برآورد هزینه جابه‌جایی توسط کارشناس رسمی دادگستری انجام و جایی برای واگذاری معدن مابه‌ازا مشخص شود که همین کیفیت آهک را داشته باشد.»

توکلی ادامه می‌دهد که «ما هم دلمان برای میراث فرهنگی می‌سوزد، اما اختیار اتمان محدود است. در این خصوص متولی میراث فرهنگی است و این ارگان باید پیش‌قدم شود و شکایت کند تا دادگستری هزینه جابه‌جایی را برآورد کند. با نامه‌نگاری کار حل نمی‌شود. باید درخواست کارشناس رسمی دادگستری و ابطال پروانه معدن را بدهند.»

● در حال مذاکره‌ایم

سید حسن حسینی، فرماندار مشهد، هم با تأکید بر اهمیت اژدرکوه می‌گوید: «اژدرکوه هم از لحاظ اسطوره‌ای و تاریخی، هم از لحاظ محیط زیستی برای ما مهم است، چون تنها کوه منفرد شمالی مشهد است و مانند یک دیواره در مقابل گردوخاک بیابان قره‌قروم عمل می‌کند.»

او با اشاره به رایزنی با نهاد های ذی‌ربط مانند صنعت و معدن، میراث فرهنگی و نمایندگان مجلس هم توضیح می‌دهد: «حقیقت این است که همه می‌خواهند کاری بکنند، اما کسی پیش‌قدم نمی‌شود. در حال مذاکره هستیم تا ببینیم به چه شکل می‌توانیم با کمترین میزان خسارت معدن را جابه‌جا کنیم. در کنار این به دنبال سرمایه‌گذار هم هستیم تا باتوجه به نگاه توسعه‌ای که به سمت شرق وجود دارد، با مؤلفه‌های خود اژدرکوه یک تفرجگاه مناسب ایجاد کنیم تا این کوه از گزند تخریب حفظ شود. باید کار خاصی که ویژه اقلیم اژدرکوه است، تعریف شود. اکنون سرمایه‌گذار هم پیدا شده است که مثل کوهسنگی روی اژدرکوه یک منطقه گردشگری ایجاد کند.»

● اهمیت اژدرکوه برای همگان روشن شده و وزارت میراث فرهنگی نیز اعلام کرده است که این کوه ارزش ثبت ملی دارد؛ بنابراین بهترین راه این است که برای جلوگیری از تخریب بیشتر کوه به معدن‌کاران پیشنهاد مجوز مابه‌ازا داده شود؛ امری که همه مسئولان نیز آن را قبول دارند، اما مشکل اینجاست که هیچ ارگانی مسئولیت این کار را به عهده نمی‌گیرد.



متحدالشکل ورزش می‌کند که برداشتی از نسخه اروپایی ورزش مدارس است و در همان حال، افراد ناظر و تعلیم‌دهنده، با لباس رسمی در عکس ایستاده‌اند که تطبیق چندانی با وضع درس مذکور ندارد.

حکمت اصفهان را به پیشگاه محترم حضرت آقای حکمت، ریاست کل معارف، به رسم یادگار تقدیم داشت. فردی- مدیر مدرسه دولتی حکمت اصفهان/ [امضا] سیدمحمد هاشمی.»

در این عکس جالب و جذاب، کودکان با لباس‌های

درباره عکسی ۹۸ ساله که اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود

ورزش صبحگاهی در مدارس ایران

راه بیپیمایند و در معرکه نبرد، تاب‌آوری شگفت‌انگیزی داشته باشند.

بنابراین وقتی از نقش ورزش در تربیت کودکان ایرانی صحبت می‌کنیم، نباید آن را منحصر به دوره معاصر و تأسیس مدارس جدید بدانیم. ایرانیان، شاید پیش و بیش از هر قوم دیگری، به اهمیت این مقوله واقف بوده‌اند و از دیرباز اهتمام فراوانی به انجام آن داشته‌اند. باتأسیس مدارس نوین در ایران، از میانه دوره قاجار و سپس توسعه آن‌ها در دوران پاشمشروطه، ورزش، یا به قول امروزی‌ها «تربیت بدنی»، جای خود را در برنامه درسی کودکان ایرانی به سرعت باز کرد و البته برخلاف برخی درس‌های نوین که واکنش‌های شدیدی را در میان بخشی از اقشار محافظه‌کار در پی داشت، هیچ مخالفتی با آن شد.

در نخستین مدارس نوین ایران، مانند مدرسه‌های رشدیه، ورزش یک رنگ و ساعت مستقل در هفته را شامل می‌شد و مسئولیت اداره آن معمولاً با مدیر یا

مرضیه ترابی! جایگاه و نقش ورزش در تربیت اطفال ایرانی، از چند هزار سال پیش شناخته و جدی گرفته شده بود. به دلیل اهمیت ورزش در پرورش جسم و افزایش کارایی نظامی در میدان‌های نبرد، اطفال ایرانی از زمانی که خوب و بد را می‌شناختند، در معرض تمرین‌های ورزشی قرار داشتند. مورخان یونانی از جدیت ایرانیان در آموزش فنون رزم، همچون سوارکاری و تیراندازی به فرزندانشان خیرداده‌اند و توفیق در این زمینه، جز با جدی گرفتن ورزش و تمرین‌های مربوط به آن ممکن نبوده است.

این مهم حتی در تیره‌ترین و پرحاشیه‌ترین ادوار تاریخی ایران نیز کنار گذاشته نشد. در عصر قاجار و در هنگامه شکست‌های پیاپی ایران از استعمار روس و انگلیس، به واسطه ناکارآمدی امرا و سلاطین، سربازان ایرانی در زمره بهترین و توانمندترین سربازان جهان شناخته می‌شدند؛ سربازانی که به تعبیر کنسول انگلیس در کرمان قادر بودند با حداقل جیره غذایی، روزانه تا سی کیلومتر

فتو
مشهد